

ترجمه و شرح متون نظم عربی
با توضیحات صرفی و نحوی

ترجمه و تألیف:

دکتر احمد رضا نظری جروده
دکتر شهریار مشکین دائم هشی

سرشناسه	نظری چروده، احمد رضا، ۱۳۴۱ - گردآورنده، مترجم
عنوان و نام پدیدآور	ترجمه و شرح متون نظم عربی با توضیحات صرفی و نحوی/ ترجمه و تالیف احمد رضا نظری چروده، شهریار مشکین دائم هشی.
مشخصات نشر	رشت: دلکام، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۸۷ ص؛ ۲۹×۲۲ س.م.
شابک	978-622-6229-24-1
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	شعر عربی - تاریخ و نقد
موضوع	Arabic poetry -- History and criticism
موضوع	شعر عربی - مجموعه ها
موضوع	Arabic poetry -- Collections
موضوع	شاعران عرب - نقد و تفسیر
موضوع	Poets, Arab-- Criticism and interpretation
موضوع	شعر عربی - ترجمه به فارسی
موضوع	Arabic poetry -- Translating into Persian
موضوع	زبان عربی - صرف و نحو - شعر
موضوع	Arabic language -- Morphosyntax -- Poetry
شناسه افزوده	مشکین، شهریار، ۱۳۵۱ - گردآورنده، مترجم
رده بندی کنگره	PJA ۲۱۶۲/۴ ن ۱۳۹۷
رده بندی دیویی	۸۹۲/۷۱۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۵۴۸۹۷۵۲



ترجمه و شرح متون نظم عربی با توضیحات صرفی و نحوی

دکتر احمد رضا نظری چروده

دکتر شهریار مشکین دائم هشی

آدرس الکترونیکی انتشارات دلکام: nikdelpb95@gmail.com

آدرس وب سایت انتشارات دلکام: www.delkampub.ir

کانال تلگرامی انتشارات دلکام: @pubdelkam

تلفن انتشارات: ۰۹۱۱۳۳۱۰۵۸۰

نوبت و سال چاپ: اول، ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قطع: رحلی

کلیه حقوق برای مولفان محفوظ است.

۳۵۰۰۰ ریال

قیمت:

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۴	الف) علی بن ابیطالب ^(ع)
۷	ب) علی بن موسی الرضا ^(ع)
	فصل اول: دوره جاهلی (از پیدایش شعر عربی تا ظهور اسلام)
۱۰	۱-۱. الأعشى الأكبر
۱۱	۲-۱. امرؤ القیس
۲۲	۳-۱. أمیة بن أبی الصلت
۲۴	۴-۱. حاتم الطائي
۲۵	۵-۱. زهير بن أبي سلمی
۲۹	۶-۱. سمّوال بن عادیا
۳۵	۷-۱. الشنقری
۳۸	۸-۱. عمرو بن كلثوم
۴۴	۹-۱. عنترة بن شداد
۵۰	۱۰-۱. لبيد بن ربيعة
۵۴	۱۱-۱. المثقب العبدی
۵۶	۱۲-۱. النابغة الذبياني
	فصل دوم: دوره صدر اسلام و بنی امیه (از ظهور اسلام تا ۱۳۲ ق.)
۶۰	۱-۲. الأخطل
۶۱	۲-۲. حسان بن ثابت
۶۳	۳-۲. خنساء
۶۵	۴-۲. عمر بن أبي ربيعة
۶۷	۵-۲. الفرزدق
۷۱	۶-۲. كعب بن زهير
۷۴	۷-۲. كُميت بن زيد الأسدي
	فصل سوم: دوره بنی عباس (از ۱۳۲ ق. تا ۶۵۶ ق.)
۷۷	۱-۳. ابن المعتز
۸۰	۲-۳. أبوإسماعيل الطُّغراني
۸۷	۳-۳. أبوالحسن الأنباري
۹۰	۴-۳. أبوالحسن التّهامي
۹۵	۵-۳. أبو الطيّب المُتنبّي
۱۰۲	۶-۳. أبو العتاهية
۱۰۳	۷-۳. أبو العلاء المَعري
۱۱۱	۸-۳. أبو الفتح البُستي
۱۲۲	۹-۳. البُحْثري
۱۳۲	۱۰-۳. دَعِبل الخُزاعي

فصل چهارم: دوره انحطاط (از ۶۵۶ ق. تا ۱۲۲۰ ق.)

- ۱-۴. ابوصیری ۱۳۸
۲-۴. صفی‌الدین الحلی ۱۴۱
۳-۴. صلاح‌الدین الصفدی ۱۴۳
۴-۴. غمر بن الوردی ۱۴۷

فصل پنجم: دوره نهضت (از ۱۲۲۰ ق. تا زمان حاضر)

- ۱-۵. ابوالقاسم الشّابی ۱۵۶
۲-۵. احمد شوقی ۱۵۸
۳-۵. جمیل صدقی الزّهاوی ۱۶۱
۴-۵. حافظ ابراهیم ۱۶۳
۵-۵. محمود سامی البارودی ۱۶۵
۶-۵. معروف الرّصافی ۱۷۱

فصل ششم: دُرّ مکنون (اشعار حکمت‌آمیز)

- ۱-۶. اشعار بدون شرح و توضیح ۱۷۴
۲-۶. ابیات برگزیده ۱۷۷
فهرست منابع و مآخذ ۱۸۳

فَإِذَا تَطَّقْتُ قَانَتْ أَوَّلُ مَنْطِقِي
وَ إِذَا سَكَّتْ قَانَتْ فِي أَصْمَارِي^۱
(جواهر الأدب، ص ۶۱۷)

حکایت اول از مقالات دوم کتاب «چهار مقاله» نظامی عروضی سمرقندی چنین است:
«احمد بن عبدالله الخجستانی را پرسیدند که تو مردی خربنده^۲ بودی، به امیری خراسان چون
افتادی؟ گفت: به بادغیس در خجستان، روزی دیوان حنظله بادغیسی همی خوانم، بدین دو بیت
رسیدم:

مَهْتَرِي^۳ گر به کام^۴ شیر در است شو^۵ خطر کن ز کام شیر بجوی
یا بزرگی و عز و نعمت و جاه یا چو مردانت مرگ رویاروی

داعیه‌ای^۶ در باطن من پدید آمد که به هیچ وجه در آن حالت که اندر بودم راضی نتوانستم بود؛
خران را بفروختم و اسب خریدم و از وطن خویش رحلت کردم ... کار من بالا گرفت و ترقی
همی کرد تا جمله خراسان، خویشتن را مستخلص^۷ گردانیدم. اصل و سبب، این دو بیت شعر بود»
(نظامی عروضی، ۱۳۳۱: صص ۳-۴۲).

امثال این حکایت در ادب فارسی کم نیست و در ادبیات عرب نیز نمونه‌های خوبی را ازین
دست حکایات می‌توان سراغ گرفت: روزی ابوفراس خمدانی در غیاب منتبّی به سیف الدوله - امیر
حلب و ممدوح هر دو شاعر - گفت: این پرمدعای متکبر، بسیار بر تو ناز می‌کند و تو هر سال در
مقابل سه قصیده، سه هزار دینار به او می‌دهی. در حالی که می‌توانی دویست دینار به بیست شاعر
بدهی و آنان مدایحی بهتر برایت بیاورند. وقتی منتبّی ازین داستان باخبر شد، بر سیف الدوله وارد
شد و قطعه‌ای را خواند که مطلع آن چنین است:

^۱ هرگاه سخن می‌گویم، آغازین سخنم تو هستی؛ و آن‌گاه که خاموش می‌ایستم، تنها تو در دل من جای داری. شعر از
أبو الحسن تهمانی است.

^۲ خربنده: مُکّاری، کرایه‌دهنده خر

^۳ مهتری: بزرگی، سروری

^۴ کام: دهان // به کام شیر در: دو حرف اضافه برای یک متمم (به + کام شیر + در)، به معنی: در کام شیر

^۵ شو: برو؛ شدن: رفتن

^۶ داعیه: انگیزه؛ اراده. خواجه غیب‌دان شیراز، حضرت لسان الغیب حافظ، می‌فرماید:

حافظ ز غم از گریه نپرداخت به خنده

ماتم زده را داعیه سور نمانده‌ست

(حافظ، ۱۳۶۸: ص ۱۱۵).

^۷ مستخلص: مخصوص خود کرده، رها شده؛ جمله خراسان، خویشتن را مستخلص گردانیدم: تمام خراسان را مال
خودم کردم و در اختیار گرفتم.

ألا ما لسيف الدولة اليوم عاتباً؟ فداهُ الْوَرَى أَمْضَى السَّيُوفِ مَضَارِباً^۱

هنگامی که منتبّی قطعه خویش را می‌خواند، سیف الدّوله سرش را پایین انداخته بود و مطابق معمول به او نگاه نمی‌کرد. پس منتبّی با حالتی متغیّر از پیش او برفت و برای مدّتی از سیف الدّوله جدا شد و قصیده‌ای را که در آن از کوتاهی سیف الدّوله در حقّ خویش شکوه می‌کرد، انشا نمود. سپس بر سیف الدّوله وارد شد و آن را در انجمنی از شاعران و بزرگان عرب قرائت کرد. ابوفراس در آن مجلس حاضر بود و پی‌درپی بر منتبّی خرده می‌گرفت. اما وی بی‌توجّه به سخنان ابوفراس شعرش را ادامه می‌داد. سیف الدّوله از مناقشه زیاد ابوفراس و اشعار عتاب‌آمیز منتبّی خسته و ناراحت شد و دواتی را که پیشش نهاده بود، به سوی منتبّی پرتاب کرد. منتبّی بدون هیچ تغییری، این بیت را خواند:

إِنْ كَانَ سَرَكُمُ مَا قَالَ حَاسِدُنَا فَمَا لِيُخْرِجَ إِذَا أَرْضَاكُمُ الْمَ^۲

این بیت چنان بر دل سیف الدّوله کارگر افتاد که فوراً به سوی منتبّی رفت، او را در آغوش گرفت و ببوسید و هزار دینار به وی صله داد و سپس هزار دینار دیگر هم بدان افزود. همچنین، گذشته از معانی والا، اهمّیت و ارزش شعر عربی در شناخت دقایق قرآن کریم و فهم درست سخنان مولای متقیان، حضرت علی^(ع) در نهج‌البلاغه، نیز بر کسی پوشیده نیست. رسول گرامی اسلام^(ص)، مقام حسان بن ثابت را بسیار تکریم می‌کرد؛ به طوری که دستور داد در پایین مسجد برایش منبری ساختند تا در آن‌جا به سرودن اشعار در دفاع از دین خدا بپردازد. پیامبر^(ص) او را زبان حق و قلم صدق می‌دانست و می‌فرمود: شعر حسان از تیر و کمان و شمشیر بر دشمن سخت‌تر می‌آید. در جنگ احزاب، پیامبر^(ص) خطاب به حسان فرمود: ای حسان، آن‌ها را هجو کن و بدان که جبرئیل مؤیّد و پشتیبان توست. رباعی زیر در مدح پیامبر^(ص)، از اوست:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَدَ ذِكْرَهُ إِذْ قَالَ الْمُؤَيَّدُ فِي الْخَمْسِ أَشْهُدُ
وَشَقَّ لَهُ مِنْ إِسْمِهِ لِيُجْلَهُ فَدُو الْعَرْشِ مَحْمُودٌ وَ هَذَا مُحَمَّدُ^۳

کعب بن زهیر، کمیت بن زید اسدی، دَعِیل خُزاعی، فرزدق، صفی‌الدّین حلّی و ... از جمله شاعرانی هستند که در مدح و منقبت اهل بیت^(ع) اشعاری ماندگار سروده‌اند که مطالعه آن‌ها روح را

^۱ چرا سیف الدّوله امروز خشمگین است؟ من سببی برای این خشم نمی‌شناسم. همه مردم فدای او گردند؛ او برنده-ترین شمشیر است.

^۲ اگر گفته‌های حسود، شما را شاد می‌کند، باکی نیست؛ زیرا وقتی شما به درد ما راضی باشید، زخم ما را سوزی نیست.

^۳ آیا ملاحظه نکرده‌ای که خداوند نام او را جاودان گردانیده؛ هنگامی که مؤدّن پنج بار در اذان به رسالت او شهادت می‌دهد و خداوند از نام خود، نام او - جهت تکریم- مشتق گردانیده؛ زیرا صاحب عرش نامش محمود و پیامبر نامش محمد است.

جلا می‌بخشد و مخاطبان را با شاهراه سعادت و نیک‌بختی آشنا می‌سازد. به راستی، خواننده این قصاید که در اوج فصاحت و رسایی سروده شده‌اند، نه تنها از این چشمه‌های زلال بی‌ملال، سیراب نمی‌شود، بلکه چونان مستسقی‌ای^۱ هر لحظه تشنه‌تر و تشنه‌تر می‌گردد. تأثیر شگرفی که اشعار حکمت‌آمیز عربی بر ذهن و روان جویندگان دانش و معرفت می‌گذارد، وصف‌ناشدنی است و خوانش هر شعر، به قول فروغ فرخزاد، گهواره تولد عیسای دیگری در باطن انسان می‌شود.

باری، از غنای شعر کلاسیک عرب و نازکا و لطافت احساسات و عواطف شاعران، هرچه گفته شود، همچون شبی است از قلمی بی‌انتهای. لذا سخن را کوتاه می‌کنیم و تنها به ذکر چند نکته در باب سبک و سیاق کتاب حاضر بسنده می‌نماییم:

۱. شاعران را براساس دوره زندگی‌شان طبقه‌بندی کرده‌ایم و در هر فصل، شاعران یک دوره را با ترتیب الفبایی معرفی نموده، نمونه‌ای از مشهورترین اشعار آنان را، با شرح و توضیح مفردات و معنی برخی ابیات، ارائه داده‌ایم. تعداد این ابیات از ۷ تا چند ده بیت متغیر است.^۲ ضمن این‌که التقات به مسأله قدرت خرید کتاب از سوی طبقه کتاب‌خوان جامعه، نویسندگان را بر آن داشت که از قصاید و ابیات متعدد و یادکرد شاعران دیگر صرف‌نظر کنند.

۲. پس ازین مقدمه، تیمناً اشعاری از مولای متقیان، حضرت علی^(ع) و نیز امام هشتم، حضرت رضا^(ع) سرلوحه کتاب قرار می‌گیرد و پس از آن، پنج فصل که به دوره‌های ادبیات عرب؛ یعنی دوره جاهلی، دوره صدر اسلام و بنی‌امیه، دوره بنی‌عباس، دوره انحطاط، و دوره نهضت اختصاص داده شده است، ارائه می‌گردد.

۳. فصل پایانی کتاب، با عنوان «دُرّ مکنون (اشعار حکمت‌آمیز)» شامل دو بخش است: اشعار بدون شرح و توضیح (۵۵ بیت)، و ابیات برگزیده (۴۶ بیت).

۴. در همه موارد؛ از قبیل اعراب‌گذاری، ترجمه مفردات و معنی ابیات و نکات صرفی و نحوی، روی سخن ما با دانشجویان مبتدی بوده است و به مقتضای آگاهی این مخاطبان، کلام را موجز و با اطناب بیان نموده‌ایم.

^۱ مستسقی: کسی که بیماری استسقا (احساس تشنگی دائم و مفرط) دارد.

^۲ تعداد ابیاتی که از شاعران نقل کرده‌ایم عبارت است از:

أبو الغنایه، الأعشى الأكبر، حاتم الطائی، صفی‌الدین الحلّی، معروف الرّصافی (هرکدام ۷ بیت)؛ الأختل، التّابغة الدّیانی (هرکدام ۸ بیت)؛ أمّیه بن أبی الصّلت، جمیل صدقی الزّهاوی، خنساء، عمر بن أبی ربیعة (هرکدام ۹ بیت)؛ علی بن أبی طالب^(ع)، کعب بن زید الأسدی، المنّقب العبدی (هرکدام ۱۰ بیت)؛ حافظ إبراهیم، زهیر بن أبی سلمی، علی بن موسی الرّضا^(ع) (هرکدام ۱۲ بیت)؛ ابن المَعزّز، أبو القاسم الشّابی، أحمد شوقی، الشّنفری (هرکدام ۱۳ بیت)؛ دَعِیل الخُزاعی، لیث بن ربیعة (هرکدام ۱۵ بیت)؛ حسان بن ثابت (۱۶ بیت)؛ أبو الحسن الأنباری، البوصیری (هرکدام ۱۷ بیت)؛ الفرزدق، کعب بن زهیر (هرکدام ۱۸ بیت)؛ محمود سامی البارودی (۲۲ بیت)؛ سَمَوَال بن عادی (۲۳ بیت)؛ صلاح الدّین الصّفدی (۲۶ بیت)؛ أبو الحسن التّهامی، إمروء القیس (هرکدام ۲۷ بیت)؛ أبو الطّیب المُتنبّی (۲۹ بیت)؛ عمرو بن کلثوم (۳۱ بیت)؛ عترة بن شداد (۳۲ بیت)؛ أبو العلاء المَعزّی (۳۳ بیت)؛ أبو اسماعیل الطّغرانی (۳۵ بیت)؛ عمر بن الوَرْدی (۴۴ بیت)؛ أبو الفتح البُستی (۵۴ بیت) و البُحّری (۵۶ بیت) که در مجموع و با احتساب اشعار بخش مقدمه و فصل ششم، بالغ بر ۸۶۵ (هشتصد و شصت و پنج) بیت است.

۵. در باب رسم الخط همزه، دانسته، از اصول علمی خارج شده‌ایم و برای تسهیل امر آموزش، همزه مفتوح و ساکن را با نشانه (ا) [مثل: آیام]، همزه مکسور را با نشانه (إ) [مثل: إذا] و همزه مضموم را با نشانه ضمه به صورت (أُ) [مثل: أُقي] نشان داده‌ایم.

۶. در مورد حرف «ياء» نیز هر جا که صدای / i / (مصوت بلند) به گوش می‌رسد، این حرف با دو نقطه پایین (ي) [مثل: في] و در غیر این صورت، بدون نقطه (ی) [مثل: إلى] نموده شده است.

۷. در حروف مشدّد مکسور، علامت کسره را در زیر علامت تشدید و بالای حرف [مثل: حَدّ] نشان داده‌ایم. اما گاهی به دلیل تراحم حرکات، کسره را به پایین حرف انتقال داده‌ایم [مثل: فَأَيّ].

۸. معنی ابیات و هر آنچه در شرح و توضیح آن‌ها آورده‌ایم، تلفیقی از اطلاعات مندرج در مآخذ پایان کتاب است. اگر اندکی بر دانش جویندگان علم بیفزاید، زه و احسنت و ثوابش برای آن دانشی-مردان خواهد بود و اگر زلتی با دید آید، از جانب مؤلفان: «و العُذْرُ عِنْدَ النَّاسِ مَقْبُولٌ»^۱.

آبی به روزنامه اعمال ما فشان

باشد توان سترد حروف گناه ازو

(حافظ، ۱۳۶۸: ص ۳۳۰)

(الف) علی بن ابیطالب^(ع) (تولد: ۲۳ سال قبل از هجرت/ شهادت: ۴۰ ق)

(دیوان منسوب به علی ابیطالب^(ع)، ص ۴۳۶؛ نیز قرائت عربی، ص ۴)

(خطاب حضرت^(ع) به معاویه بن ابی‌سفیان)

و لا زالَ المِسيءُ هُوَ الظَّالِمُ

وَ عِنْدَ اللَّهِ تَجْتَمِعُ الْخُصُومُ

عَدَا عِنْدَ الْمَلِيكِ مِنَ الْمَلُومِ

۱- اَمَّا وَاللَّهِ إِنَّ الظَّالِمَ شُوومٌ

۲- إِلَى الدِّينِ يَوْمَ الدِّينِ نَمُضِي

۳- سَتَعْلَمُ فِي الْحِسَابِ إِذَا التَّقَيْنَا

^۱ عذرخواهی نزد مردم صاحب کرامت پذیرفته است.

^۲ در باب دیوان منسوب به علی^(ع) باید گفت که درست است که حضرت^(ع) به هر حال با سرودن شعر، بیگانه نبوده-اند و گاه، به مناسبت‌هایی، افزون بر رجزهای میدان جنگ، چامه‌هایی سروده‌اند که مایه اصلی تدوین دیوانی از امام^(ع) شده است و در دیوان منسوب به ایشان نیز برخی از این اشعار موجود است، و همچنین سید رضی، گردآورنده نهج البلاغه، در این کتاب و نیز در اثر دیگرش «خصائص امیرالمؤمنین^(ع)»، قطعه‌هایی از شعر علی^(ع) را روایت کرده است، اما بسیاری از اشعار دیوان مذکور، بیان روایاتی است که از آن حضرت^(ع) نقل شده و دیگران آن‌ها را به نظم درآورده‌اند و چون مضمون آن‌ها از امیر^(ع) است، اشعار را به آن حضرت^(ع) نسبت داده‌اند. همچنین شمار معتناهی از اشعار دیوان، از علی بن ابیطالب قیروانی است که اشتراک لفظی در اسم، موجب إسناد آن‌ها به امام^(ع) شده است. به هر حال اشعار این کتاب بیشتر برگرفته از سخنان حضرت^(ع) است که شاعران، آن سخنان بلندپایه را به نظم درآورده‌اند و مطالعه این اشعار بسیار سودمند است (ر.ک. دیوان امام علی^(ع)، صص ۸ و ۹؛ نیز انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، ص ۳۱).